

یکی از موانع سقوط انسان که از نظر قرآن کریم در ردیف نماز است، خدمت به خلق خداست. اساساً آیات نورانی قرآن بر انفاق و نماز توأمان تأکید می‌ورزد، به گونه‌ای که در آیات متعددی، در کنار تأکید بر اقامهٔ نماز، بر رسیدگی به مخلوقات و دستگیری از بندگان خدای تعالی پافشاری کرده است. خداوند متعال در آیات ابتدائی سورهٔ بقره، پیش از هرچیز، قرآن کریم را هدایتگر متقین برمی‌شمرد و سپس با تعریف متقین، به نماز و انفاق به عنوان دو مانع مهمّ سقوط انسان اشاره می‌کند.^(۱)

در واقع این آیات شریف می‌فرماید که قرآن هدایتگر متقین است و متقین کسانی هستند که به خداوند، پیامبر، معاد، امام زمان

دو بال پرواز برای صعود معنوی

رابطه با خداوند و رابطه با بندگان او، دو بال پرواز آدمی برای صعود و پیشرفت معنوی است. کسی که از رابطه با خداوند، منهای رابطه با مردم، بهره گیرد، مرغ یک بال است و نمی‌تواند حرکت کند. چنان‌که اگر با مردم رابطه داشته باشد و در برقراری رابطه با خداوند کوتاهی

همه وظیفه دارند گره گشای مشکلات همدیگر باشند و کوتاهی در این زمینه، کفر عملی و گناه بزرگی است، ولی گناه بزرگ‌تر و مصیبت دردناک‌تر آن است که انسان گره‌ی روی گرهٔ دیگران ببندازد. چنین کسی و فرزندان او بعید است عاقبت به خیر شوند و سقوط آنان حتمی است.

کنند، قادر به پرواز و حرکت نخواهد بود. آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که بر لزوم برقراری این دو رابطه با برخورداری از این دو بال پرواز با جملاتی نظیر: «يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ» و «مِمَّا زَكَّاهُمْ يَنْفِقُوْنَ» پافشاری دارد.^[۱] یعنی کسانی که قصد دارند به سعادت و رستگاری دست یابند و در دنیا و آخرت تعالی و تکامل روحی و معنوی داشته باشند، باید اولاً از طریق نماز، روزه، حج، خمس، زکات و سایر واجبات و اعمال عبادی، با معبود خویش رابطه داشته باشند و ثانیاً به واسطهٔ انفاق، با مخلوقات خداوند رابطه برقرار سازند؛ یعنی هرچه دارند، برای خود و دیگران بخواهند و خدمتگار خلق خدا باشند.

پیوستگی و تفکیک‌ناپذیری اعمال دینی
مطلبی که توجه جدی می‌طلبد این است که اعمال دینی، به هم وابسته‌اند و از انسجام و پیوستگی ذاتی برخوردارند؛ به این معنا که امکان ندارد کسی ادعای ایمان یا تقوا داشته باشد، ولی عمل به بخشی از دستورات دینی را به سایر دستورات ترجیح دهد. احکام و اعمال اسلام عزیز، مثل دانه‌های تسبیح در کنار هم و به هم پیوسته است و در عمل نمی‌توان بعضی

و ب‌الآخر به غیب ایمان دارند. به عبارت دیگر متقین کسانی هستند که از نظر زیر بنا و پایهٔ اعتقادی، محکم و استوارند و علاوه‌بر آن، به نماز و انفاق نیز اهمیت ویژه می‌دهند. به تعبیر رساتر، خداوند متعال اجازه نمی‌دهد نمازگزاران واقعی و خدمتگزاران به خلق او سقوط کنند. ائمهٔ طاهرين(سلام الله عليهم» و به‌ویژه در زمان حاضر، قطب‌ب عالم امکان حضرت ولی عصر(عج) در بن‌بست‌ها دست او را می‌گیرند و او را از خطر گمراهی و انحراف می‌رهانند.

جایگاه متعالی خدمت به خلق خدا در تعلیم دینی خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعلیم قرآن و عسرت، ارزش و ثواب فراوانی دارد. حتّی در روایات، دستگیری از دیگران و گره گشودن از مردم، نسبت به برخی اعمال عبادی نظیر حج یا عمرهٔ مستحب، از ثواب والاّتری برخوردار است. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی روایتی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حقیقتاً بهت‌آور است. ابان بن تغلب می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمودند: هرکس خانهٔ خدا را طواف کند، خداوند عَزَّوَجَل شش هزار حسنه برای او می‌نویسد و شش هزار گناه از او می‌آمرزد و شش هزار درجه به وی عطا می‌فرماید و شش هزار حاجت از او برآورده می‌سازد. سپس فرمودند: «گره گشایی از کار یک مؤمن، ده برابر این طواف فضیلت دارد»(فَقَدْأَخَاَجَهُ الْمُؤْمِنُ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافِ وَ طَوَافِ حَتّٰی عَدَّ عَشْرًا).^[۱] نظیر این روایت، در کتب روایی فراوان یافت می‌شود و حاکی از جایگاه ویژه و بی‌نظیر خدمت به خلق خدا، در تعلیم دینی است.

اهل معرفت و اولیای الهی ارزش و فضیلت خدمت رسانی به مخلوقات را درک می‌کنند و از این جهت، اگر یک شبانه‌روز خدمت به خلق خدا نکنند، گویا یک گم کرده‌ای دارند. امیرالمؤمنین(ع) در راه، به یک پیرمرد مسیحی برخوردند که گدایی می‌کرد. آن حضرت تعجب کردند و معنای تعجب ایشان این است که به او رسیدگی کردند و او را از گدایی نجات دادند. اما بعد با یک تشریّی فرمودند: وقتی جوان بود از جوانی او کار کشیدید و حالا کار رسیده به جایی که گدایی می‌کند؟^[۲] معصومین(ع) تا این اندازه حتی به فکر اهل کتاب بودند، چه رسد به ما مسلمانان.

شبهه: اگر امداد غیبی واقعی است، چرا در شکست‌های تاریخی مؤمنان نشانی از آن دیده نمی‌شود؟

پاسخ: در متون دینی، خداوند وعده‌هایی روشن و امیدبخش به اهل ایمان داده است؛ وعده‌هایی که گشایش برای اهل تقوا،^(۱) هدایت ویژه برای مجاهدان،^(۲) و نصرت و یاری برای کسانی که دین خدا را یاری می‌کنند،^(۳) از جمله آنهاست. این وعده‌ها در منابع دینی مکرر تأکید شده و به‌ظاهر چنین می‌نماید که جامعه مؤمن اگر به وظایف دینی و اخلاقی خود پایبند باشد، باید همواره شاهد پیروزی، امنیت، آرامش و حمایت‌های آشکار الهی باشد.

با این حال، آنچه در تجربه تاریخی اقت‌های مؤمن دیده می‌شود همواره مطابق این تصویر نیست: گاه مردمانی دیندار و تلاشگر، با وجود مجاهد، از جان‌گذشتگی، پایبندی به اصول دینی و تحمل سختی‌ها، باز هم با شکست‌های دردناک، فشارهای طولانی‌مدت، رنج‌های اجتماعی یا حتی فروپاشی سیاسی مواجه شده‌اند. این فاصله ظاهری میان وعده‌های الهی و تجربه تاریخی، زمینه‌ساز این پرسش عمیق می‌شود که امداد غیبی دقیقاً چیست؟ تحت چه شرایطی محقق می‌شود؟ و چرا گاهی در صحنه‌هایی که انتظار آن می‌رود، مشاهده نمی‌شود؟ در ادامه، برای روشن‌تر شدن این مسئله، در قالب سه نکته به تحلیل موضوع می‌پردازیم.
نکته اول: تفاوت میان رحمت عام الهی و امداد غیبی
انسان‌ها در طول زندگی خود، گاه آچه باشند و چه ناگاه، مدد‌های فراوانی از سوی خداوند دریافت می‌کنند.

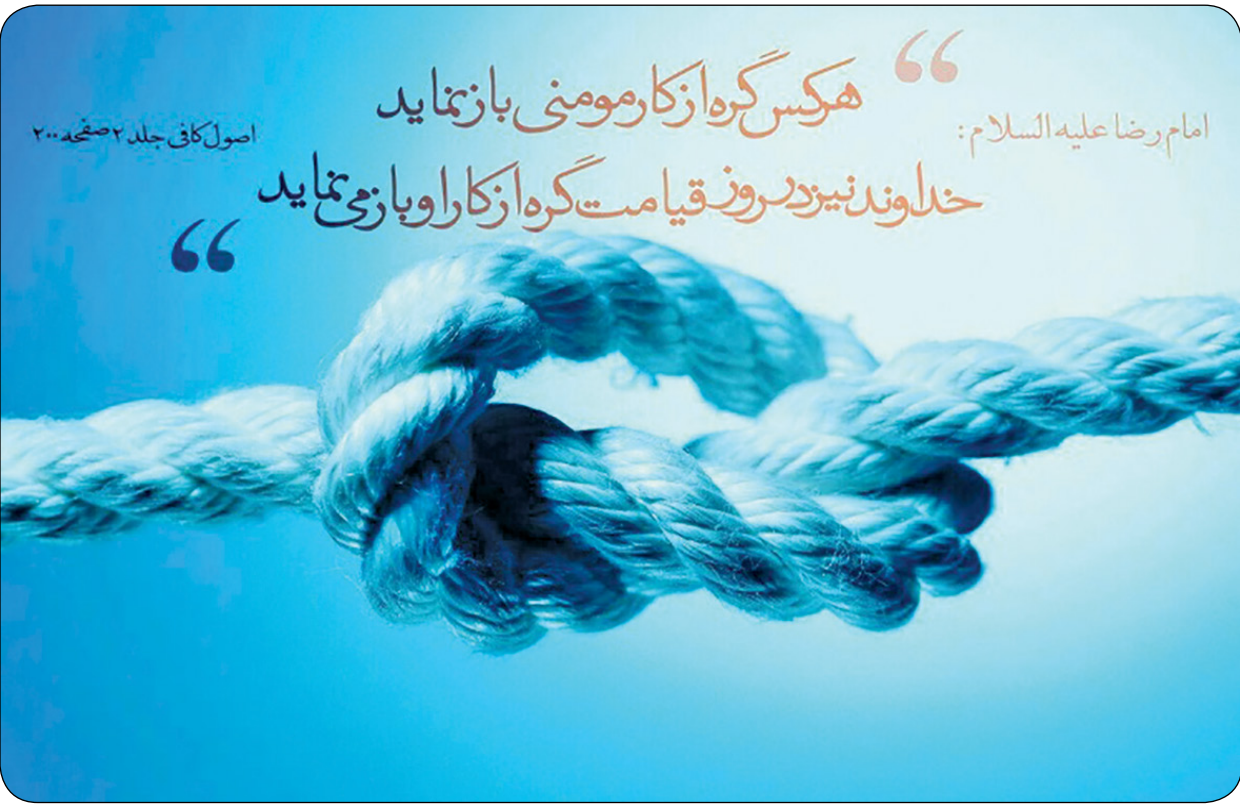
بسیاری از این امدادها ناشی از صفت رحمانیت خداوند است؛ رحمتی عام که شامل مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار می‌شود و به شکل دائمی و پیوسته در هستی جریان دارد.

مانند اصل آفرینش انسان، نعمت‌های گسترده آفرینش، توانایی‌های فطری،

معارف
MaarefKayhan@Kayhan.ir

خدمت به خلق، والاترین عبادت مستحبی

آیت‌الله حسین مظاهری



اقامة نماز، اهمیت به نماز شب، روزه، حج، عمره، زیارت مشهد و کربلا و به طور کلی رابطه با خداوند متعال و اهل بیت بسیار مطلوب است و ثواب دارد، اما کافی نیست و دوشادوش این رابطه، باید به اندازهٔ توان به رابطه با مردم و خدمت به خلق خدا اهمیت داده شود. حتی از روایات فهمیده می‌شود که ارزش و ثواب خدمت به خلق خدا، بسیار برتر و والاّتر از اعمال عبادی نظیر حج و عمره است.

خدمت به خلق خدا اهمیت داده شود. حتی از روایات فهمیده می‌شود که ارزش و ثواب خدمت و اعمال عبادی، به هم وابسته‌اند و از انسجام و پیوستگی ذاتی برخوردارند؛ به این معنا که امکان ندارد کسی ادعای ایمان یا تقوا داشته باشد، ولی عمل به بخشی از دستورات دینی را به سایر دستورات ترجیح دهد. احکام و اعمال اسلام عزیز، مثل دانه‌های تسبیح در کنار هم و به هم پیوسته است و در عمل نمی‌توان بعضی

متقین کسانی هستند که از نظر زیر بنا و پایهٔ اعتقادی، محکم و استوارند و علاوه بر آن، به نماز و انفاق نیز اهمیت ویژه می‌دهند. به تعبیر رساتر، خداوند متعال اجازه نمی‌دهد نمازگزاران واقعی و خدمتگزاران به خلق او سقوط کنند.

از دستورات را از سایر دستورات و موازین شرعی تفکیک کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «أَقْمُواصُومُكُمْ بِغَضِ الْكُتَابِ وَ تَكْفُرُوْا بَعْضُ فَمَا جَزَاْهُ مِنْ یَغْلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خُرَیْ فِیْ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ الْقِیَاةِ یَرْدُوْنَ اِلَیْ اَشْدَّ الْعَذَابِ وَ مَا لَهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَتَّمَلُوْنَ»^[۱]، آیا شما به پاره‌ای از کتاب ایمان می‌آورید و به پاره‌ای از آن کفر می‌ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خوراری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستخیز آنان را به سخت‌ترین عذاب‌ها باز برند، و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست.

اقامة نماز، اهمیت به نماز شب، روزه، حج، عمره، زیارت مشهد و کربلا و به طور کلی رابطه با خداوند متعال و اهل بیت بسیار مطلوب است

و ثواب دارد، اما کافی نیست و دوشادوش این رابطه، باید به اندازهٔ توان به رابطه با مردم و

کفر عملی است؛ به این معنا که اگر کسی در عمل به دستورات دینی کوتاهی کند، از نظر دیندار کافر است. این موضوع درباره قانون مواسات نیز صادق است؛ یعنی همان طور که می‌شود. چنین کسی عاقبت به خیر نخواهد شد و علاوه‌بر اینکه گناهکار است، عاقبت او و نسل او، به سقوط می‌انجامد، زیرا از قانون مواسات به عنوان مانع سقوط، استفاده نکرده است و از این گذشته، اهل بیت(ع) را رنجانده است. راوی می‌گوید امام صادق(ع) در منا برای ما منبر رفته بودند. در وسط منبر فرمودند:ای شیعیان ما چرا این‌قدر خون به دل ما می‌کنید؟ کسی در وسط جلسه بلند شد و گفت یابن رسول‌الله! ما چه کردیم؟! ما شیعیان شما هستیم و شما را قبول داریم و دوست داریم. حضرت فرمودند: خود تو چند روز قبل که از عرفات به منا می‌آمدی، به یک آدم پیاده برخورد کردی که خسته شده بود و به تو گفت مرا پشت سر خودت سوار کن. تو می‌توانستی و نکردی و دل پیهمبر و دل ما را خون کردی!

اقسام خدمت به خلق
خدمت به خلق خدا، اقسامی دارد که در ادامه به شرح برخی از آنها می‌پردازیم:
(الف) انفاق از داشته‌ها
قسم اوّل، بر اساس بیان نورانی قرآن کریم که می‌فرماید: «وَ مِمَّا زَكَّاهُمْ يَنْفِقُوْنَ»، هرکسی باید به اندازهٔ وسعش، از آنچه دارد، به دیگران در خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج

صفحه ۱۰
پنجشنبه ۲ مهر ۱۴۰۵
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۴۳

دردناک‌تر آن است که انسان، گره‌ی روی گرهٔ دیگران ببندازد. چنین کسی و فرزندان او بعید است عاقبت به خیر شوند و سقوط آنان حتمی است.

(ج) احترام به شخصیت افراد

قسم سوّم قانون مواسات که بسیار حائز اهمیت است، احترام به شخصیت انسان‌هاست. همهٔ انسان‌ها شخصیت دارند و ما باید همین‌طور که برای خود شخصیت قائلیم، برای دیگران هم شخصیت قائل باشیم و مواظب باشیم که به کسی بی‌احترامی نکنیم. بی‌احترامی به دیگران، گاهی منجر به مفاسد عجیبی می‌شود که جبران‌ناپذیر است. مثلاً گاه اتفاق می‌افتد که پدر خانواده در اثر عصبانیت، به فرزندش بی‌احترامی می‌کند و آن فرزند در

هنگامی که یک مسلمان در جلسه‌ای حضور دارد و مشاهده می‌کند غیبت کسی شروع می‌شود، واجب است از او دفاع کند و واجب است که مانع ادامهٔ غیبت شود و الاّ گناه همان غیبت‌کننده را دارد. از نظر همهٔ فقها، فرقی بین غیبت‌کننده و آن که غیبت را می‌شنود و دفاع نمی‌کند نیست.

اثر این بی‌احترامی و تحقیر، عقده‌ای می‌شود و چه بسا دین خود را از دست می‌دهد. جوانی به من می‌گفت: نماز نمی‌خوانم؛ برای اینکه پدرم با توهین مرا وادار به نماز خواندن می‌کرد. برخورد تحقیرآمیز و همسراه با اهانت آن پدر موجب کفر فرزند شده است. البته نماز نتواندن

نیز توجیه نمی‌پذیرد و بسیار غلط است. زن و شوه‌ر، باید در خانه احترام همدیگر را حفظ کنند، مخصوصاً در حضور فرزندان باید برای یکدیگر احترام بیشتری قائل باشند. اهانت، تحقیر، کوبندگی و کلمات رکیک نباید در زبان آدمی باشد، چه در خانه و با اعضای خانواده و چه هنگام معاشرت با مردم کوچه و بازار. زبان انسان اگر نیش و کتله داشته باشد و به دیگران آزار برساند، در قیامت، مثل مثل مار دچار او می‌شود. زبان رکیک، انسان را به جایگاه پستی می‌رساند و حتی او را از صف مسلمانان جدا می‌سازد.

(د) دفاع از دیگران

قسم چهارم از قانون مواسات که از اقسام قبلی مهم‌تر است، دفاع از دیگران است. مسلمانان وظیفه دارند از جان، ناموس و آبروی یکدیگر دفاع کنند. هنگامی که یک مسلمان در جلسه‌ای حضور دارد و مشاهده می‌کند غیبت کسی شروع می‌شود، واجب است از او دفاع کند و واجب است که مانع ادامهٔ غیبت شود و الاّ گناه همان غیبت‌کننده را دارد. از نظر همهٔ فقها، فرقی بین غیبت‌کننده و آن که غیبت را می‌شنوند و دفاع نمی‌کند نیست. اگر نمی‌خواهد غیبت بسنود، باید دفاع کند و اگر نمی‌خواهد یا نمی‌تواند دفاع کند، لااقل باید ناراحت شود. دفاع از ناموس مردم، دفاع از جان مردم و مهم‌تر از آن دو، دفاع از آبروی مردم نیز واجب است. آبروی مردم خیلی مهم است و مسلمان باید علاوه‌بر آنکه خودش باعث آبروریزی دیگران نمی‌شود، از آبروریزی اشخاص دیگر نیز جلوگیری کند.

پی‌نوشت‌ها:

- بقره، ۱۰۳.
- کافی، ج ۲، ص ۱۹۴.
- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۲.
- بقره، ۸۳، ۱۰۱، ۱۷۷ و ۲۷۷، نساء، ۱۶۲، مائد، ۱۲، احزاب، ۵۵، اعراف، ۱۵۶، انفال، ۳، توبه، ۱۷۸ و ۱۸۰، نمل، ۳، لقمان، ۴۰ و...
- بقره، ۸۵.
- طباطبائی، المصداق، ص ۲۳۷.
- توبه، ۳۴.
- طلاق، ۷.
- کافی، ج ۲، ص ۱۷۱.

می‌شود، تحقق این وعده‌ها همانند بسیاری از قوانین الهی مشروط به فراهم شدن مقدمات و شرایطی است.

هر گاه این شرایط فراهم نباشد، انتظار نصرت غیبی بی‌پایه خواهد بود.

از این‌رو، مؤمنان برای مشاهده آثار امداد الهی در حیات فردی و اجتماعی خود، باید از یک‌سو زمینه‌های لازم مانند ایمان، توکل، اخلاص، صبر و جهاد را فراهم سازند و از سوی دیگر موانعی چون تکیه بر غیر خدا، سستی و آلودگی نیت‌ها را از میان بردارند.

پی‌نوشت‌ها:

- طلاق، آیه ۲: «مَنْ كُنَّ يَوْمَئِذٍ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»
- عنکبوت، آیه ۶۹: «وَ الَّذِیْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیْهُمْ سُبُلًا وَ اِنَّ اللهَ لَمَعَ الْفٰحْشِیْنَ»
- محمد، آیه ۷: «اِنَّهَا الْاٰیةُ اِمَّاؤُنَّ اِنْ نَشَآوْا اللهَ نَصْرُکُمْ وَ یَنْتِظِ اَقْدَامُکُمْ»
- ۴ و ۴، مطهری، مرتضی، امداد‌های غیبی در زندگی بشر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۴۰۲، ص ۱، ص ۷۵.
- ۶ غافر، آیه ۵۱: «اِنَّ الَّذِیْنَ رَسَلْنَا وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا فِی الْخِیْوَءِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ نَقُوْمُ الْاَشْهَادُ»
- ۷، طلاق، آیه ۳: «وَ مَنْ یَتَّوکلْ عَلٰی اللهَ فَوَّضَ خُسْرُهُ اِنَّ اللهَ یَالِغُ اَمْرُهُ»
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، سنن النبی، مترجم عباس عزیزی، قم، انتشارات صدرا، ج ۵، ص ۸۹، ۱۳۸۵، ص ۶۲
- ۹، عنکبوت، آیه ۶۹: «وَ الَّذِیْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیْهُمْ سُبُلًا وَ اِنَّ اللهَ لَمَعَ الْفٰحْشِیْنَ»
- ۱۰، شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه و تحقیق محمد دستینی، قم، نشر قدس، ۱۳۷۸، ص ۵۶.
- ۱۱، مکارم زین‌العابدین، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۵، ۱۳۸۵، ش، ج ۲۱، ص ۴۴.
- ۱۲، فصلت، آیه ۳۰: «اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبَّنَا الله ثُمَّ انْشَقَّوْا تَتَّخِذْ عَلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِکَةُ اَلًا یَخَافُوْنَ وَ لَا یَخْزُوْنَ وَ اٰیٰتُهُمْ بِالْاَیْمَةِ الَّتِیْ کَتَبَتْهُمْ تَوْعَدُوْنَ»
- ۱۳، به عنوان نمونه: شریف رضی، نهج‌البلاغه، ص ۳۹.
- ۱۴، بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمدقادر محمودی، بیروت، دارالعارف، ط ۱، ۱۹۷۷، ج ۳، ص ۲۴۴.

✽ **سیدرضا قائمی**

جمع‌آوری غنائم– نشانه‌هایی از این نیت‌های ناسازگار دیده می‌شود و همین امر مانع از تحقق امداد الهی می‌گردد.

(ب) یکی از عوامل مهم ناکامی‌های تاریخی مؤمنان، کم‌صبری آنان در لحظات حساس بوده است.

گاهی کوچک‌ترین سختی کافی بوده تا گروهی از یاری دین دست بکشند و بهانه‌های مختلف بیاورند.

شکایت‌های مکرر حضرت امیرالمؤمنین(ع) از بی‌وفایی و سستی کوفیان دقیقاً بیانگر همین مشکل تاریخی است.

(ج) تکیه جهاد یا کاهلی جمعی در یاری

حق، یکی از مهم‌ترین موانع تحقق امداد غیبی است. اگر جامعه اسلامی در عصر امام

هر گاه نیت‌ها آلوده به اهداف غیرالهی مانند قدرت‌طلبی، ثروت‌جویی

یا شهرت‌شود، حمایت خاص خداوند از میان می‌رود. در بسیاری از حرکت‌های دینی – مانند جنگ احد و ترک پُست ماموریت به نیت جمع‌آوری غنائم– نشانه‌هایی از این نیت‌های ناسازگار دیده می‌شود و همین امر مانع از تحقق امداد الهی می‌گردد.

حسن(ع) در برابر معاویه، یا در زمان امام حسین(ع) در برابر یزید کوتاهی نمی‌کرد، شرایط تاریخی به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و نصرت الهی شامل آنان می‌شد.

حتی قیام‌های شیعی مانند قیام زید بن علی نیز به سبب همین عدم همراهی عمومی با شکست مواجه شد.
(د) امید بستن به غیر خدا و اتکا به اشخاص
از قدرت‌های دنیایی، مانع مهم جریان یافتن امداد غیبی است. تنها هنگامی که انسان توکل کامل به خدا داشته باشد و از امیدهای غیرالهی دست بپوشد، درهای رحمت و نصرت الهی به روی او گشوده می‌شود.

نتیجه:

با وجود آنکه آیات الهی وعده نصرت و یاری به مؤمنان داده‌اند و تأکید دارند که در بسیاری از حرکت‌های دینی – مانند جنگ احد و ترک پُست ماموریت به نیت



شرایط و موانع تحقق امداد غیبی

استقامت حقیقی، سَنَت الٰهی یاری مؤمنان تحقق نمی‌یابد.

(د) اخلاص: روایات اسلامی نشان می‌دهد که بسیاری از پیروزی‌های صدر اسلام نتیجه خلوص نیت مجاهدان بود؛ مؤمنانی که هر اقدامی را تنها برای رضای خدا انجام می‌دادند.^(۱)

(هـ) جهاد و یاری دین خدا: یکی از

مهم‌ترین نشانه‌های استقامت و اخلاص، حضور واقعی در صحنه جهاد و دفاع از حق

است.^(۲)

نکته سوم: علل تاریخی فقدان امداد غیبی
در متون دینی، خداوند وعده داده است که چنین کسانی را با امداد‌های غیبی یاری کند.^(۳)

نکته سوم: علل تاریخی فقدان امداد غیبی
در متون دینی، خداوند وعده داده است که چنین کسانی را با امداد‌های غیبی یاری کند.^(۳)

مؤمنان برای مشاهده آثار امداد الهی در حیات فردی و اجتماعی خود باید از یک‌سو زمینه‌های لازم مانند ایمان، توکل، اخلاص، صبر و جهاد را فراهم سازند و از سوی دیگر موانعی چون تکیه بر غیر خدا، سستی و آلودگی نیت‌ها را از میان بردارند.

با وجود آنکه آیات الهی وعده نصرت و یاری به مؤمنان داده‌اند و تأکید دارند که امداد‌های غیبی شامل حال بندگان باایمان می‌شود، تحقق این وعده‌ها همانند بسیاری از قوانین الهی مشروط به فراهم شدن مقدمات و شرایطی است؛ هر گاه این شرایط فراهم نباشد، انتظار نصرت غیبی بی‌پایه خواهد بود.

نشان می‌دهد که شرط نخست بهرمندی از امداد غیبی آن است که ایمان انسان به مرحله‌ای برسد که نه تنها به زبان، بلکه در رفتار، تصمیم‌ها و پایداری او آشکار باشد.

(ب) توکل: اعتماد و واگذاری امور به خدا از مهم‌ترین زمینه‌های دریافت امداد الهی است.^(۴)

در برخی روایات، توکل برترین عمل معرفی شده است.^(۵) به همین دلیل، می‌توان گفت توکل و اعتماد قلبی، برجسته‌ترین عامل جریان‌یافتن امداد غیبی است.

(ج) قرآن
بارها بر ضرورت پایداری در مسیر حق تأکید کرده است. ثبات‌قدم، تحمل سختی‌ها و ادامه حرکت در شرایط فشار، از مهم‌ترین زمینه‌های جریان یافتن نصرت الهی به شمار می‌رود.

بر اساس آیات متعدد از جمله آیه:«وَالَّذِیْنَ جَاهَدُوا فِیْنَا لَنَهْدِیْهُمْ سُبُلًا»^(۶)، بدون